

جایگاه فرض سببیت در مسؤولیت مدنی

بیژن حاجی عزیزی^{۱*}، نگین غلامی^۲

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۱۴

دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۹

چکیده

رابطه سببیت از ارکان تحقق مسؤولیت مدنی است که باید توسط زیان دیده در کنار دیگر ارکان دعوا به اثبات برسد. اما این قاعده کلی در برخی موارد با معاف شدن خواهان از اثبات آن تخصیص خورده است. این مورد استثنا، فرض سببیت نام دارد؛ بدین معنا که در برخی موارد علیرغم ضرورت وجود رابطه سببیت برای تحقق مسؤولیت خوانده، خواهان نیازی به اثبات آن ندارد. آنچه در این پژوهش محور بحث قرار می‌گیرد، بررسی مصادیق این فرض در مسؤولیت مدنی است. با تحلیل مباحث و مصادیقی که حقوقدانان برای این فرض ذکر کرده‌اند جایگاه آن عمدتاً در دو زمینه است: (۱) مواردی که تقصیر در آن‌ها مفروض است؛ (۲) مواردی که اثبات رابطه سببیت به دلیل شرایط خاص بسیار دشوار است و از این رو وجود فرض سببیت در آن‌ها توجیه دارد.

واژگان کلیدی: مسؤولیت مدنی، رابطه سببیت، فرض سببیت، مسؤولیت ناشی از سوء درمان، مسؤولیت ناشی از تولید.



۱. مقدمه

رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر وارد از ارکان تحقق مسؤولیت خوانده است. البته در قلمرو مباحث حقوقی، سبب را در معنای عرفی آن مدنظر قرار می‌دهند و به تبع، منظور از رابطه سببیت رابطه‌ای است که عرفاً می‌توان بین فعل زیان‌بار و ضرر برقرار کرد. به تعبیر یکی از نویسندگان «اگرچه از واژه علت و سبب برای بیان رابطه سببیت (رابطه علیت) استفاده می‌شود، اما این بدان معنا نیست که این اصطلاح یک مفهوم فلسفی و دقیق است که شناسایی آن به مذاقه‌های علی و معلولی و نفی و اثبات‌های فیلسوفانه محتاج باشد، بلکه رابطه سببیت در حقوق، واجد معنایی کاملاً عرفی است؛ نوعی ظهور است...» [۱]. حقوقدانان خارجی نیز با تفاوت نهادن بین causality به معنای علیت و causation به معنای سببیت بر لزوم توجه به معنای عرفی علت و نه معنای دقیق علمی آن تأکید کرده‌اند [۲].

براساس یک قاعده اولیه، تحمل ضرری که بر مال کسی وارد می‌شود در وهله اول برعهده مالک مال است، مگر در صورت وجود دلیلی که مؤید انتساب ایراد زیان به فعل دیگری باشد تا بتوان او را مسؤول جبران ضرر وارد دانست. «به نظر هولمز، زیان‌دیدگان باید ضرر را متحمل شوند، مگر این‌که دلیل قانع‌کننده‌ای برای انتقال آن به دیگری وجود داشته باشد. پس اصل تحمل ضرر توسط زیان‌دیدگان را می‌توان قاعده اولیه مسؤولیت نامید» [۳]. در نتیجه، زیان‌دیده در صورتی که مدعی است دیگری به مال او ضرر رسانده، باید ارکان سه‌گانه مسؤولیت قهری خواننده را ثابت کند. اثبات ارکان سه‌گانه مزبور همیشه به‌سادگی میسر نیست و در صورتی که همواره از خواهان، اثبات تمام ارکان خواسته شود، چه بسا گاهی به علت ناتوانی در اثبات برخی ارکان، او نتواند به حق خویش که جبران خسارت وارد بر مالش است، نایل آید و احقاق حق به‌درستی صورت نگیرد. قانونگذار نیز با عنایت به این نکته ممکن است در برخی شرایط، بعضی از آن ارکان را موجود و مفروض دانسته، به تبع خواهان را از اثبات رکن مفروض معاف کند. فرض تقصیر مثالی متداول برای بیان چنین مواردی است.

مورد دیگر فرض سببیت است که موضوع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، همان‌طور که «گاه ماهیت حادثه به گونه‌ای است که غالباً بدون این‌که واردکننده زیان تقصیری مرتکب شده باشد روی نمی‌دهد که در این صورت «تقصیر فرض می‌شود»، گاهی همین تدبیر درخصوص رابطه سببیت نیز اعمال می‌شود و زیان‌دیده می‌تواند با استناد به نظریه «فرض رابطه سببیت» بار اثبات را از دوش خود بردارد»^۳، ص ۲۱۲].

۲. فرض سببیت^۱ و فرض تقصیر

در مورد تفاوت بین فرض تقصیر و فرض سببیت باید گفت که فرض تقصیر ارتکاب تعدی یا تفریط را که مربوط به اثبات رکن فعل زیان‌بار است و علی‌الاصول باید توسط خواهان به اثبات برسد، مفروض می‌داند. اما در فرض سببیت قانونگذار در شرایط خاصی ورود زیان را به عاملی منتسب می‌کند و او را سبب آن زیان می‌داند، اعم از آن‌که آن سبب، مقصر بوده باشد یا نه. در واقع فرض تقصیر مربوط به احراز فعل زیان‌بار است و فرض سببیت مربوط به احراز رابطه سببیت. مضاف بر آن، فرض سببیت الزاماً به دنبال انتساب زیان به سبب مقصر نیست و به همین علت است که در صورت وجود فرض سببیت، اثبات بی‌تقصیری خوانده نمی‌تواند این فرض قانونی را رد کند و تنها اثبات عدم انتساب زیان به او می‌تواند راهگشا باشد، آن‌هم نه از طریق اثبات بی‌تقصیری، بلکه از طریق اثبات انتساب زیان به عاملی غیر از فعل او.

علیرغم وجود تفاوت مذکور، می‌توان به ارتباط ظریفی بین فرض تقصیر و فرض سببیت اشاره کرد. ارتباط مزبور بدین نحو است که در برخی موارد فرض سببیت از فرض تقصیر قابل استنتاج است. توضیح آن‌که در مواردی که قانونگذار فرض تقصیر

۱. برای مشاهده مباحث پیش‌تری درخصوص فرض سببیت و بررسی آن در قلمرو انواع مسؤولیت قراردادی، قهری و کیفری رجوع کنید به: غلامی، نگین، «فرض سببیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۰.



مقرر داشته برای اثبات خلاف این فرض در موارد مختلف از روش یکسانی استفاده نکرده است. در برخی موارد اثبات خلاف فرض تقصیر با اثبات رعایت احتیاط و در واقع عدم ارتکاب تقصیر ممکن است؛ مثل آنچه در بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریایی مقرر شده است. اما در مواردی دیگر قانونگذار برای رد تقصیر مفروض، تنها اثبات بی‌تقصیری را کافی نمی‌داند، بلکه خوانده فقط با اثبات فورس ماژور، می‌تواند تقصیر مفروض را رد کند؛ مانند ماده ۲۲۷ قانون مدنی در خصوص مسؤولیت متعهد. در چنین مواردی که قانونگذار علیرغم مقرر داشتن فرض تقصیر، اثبات خلاف این فرض را تنها با اثبات فورس ماژور و نه صرفاً اثبات بی‌تقصیری ممکن می‌داند می‌توان گفت که به انتساب زیان به فعل خوانده هم توجه داشته که تنها راه خلاصی از مسؤولیت را از طریق رد انتساب زیان به او، آن هم به وسیله اثبات فورس ماژور می‌داند والا اگر تنها به تقصیر توجه داشته باشد که اثبات خلاف آن، یعنی عدم ارتکاب تقصیر از هر راهی می‌تواند به معافیت خوانده بینجامد و نیازی نیست برای معافیت حتماً وجود قوه قاهره اثبات شود. بر این مبنا می‌توان گفت در مواردی این‌چنینی از فرض تقصیر، فرض سببیت هم قابل استنتاج است و بدین ترتیب، بین این دو ارتباط وجود دارد. پس فرض سببیت زمانی از فرض تقصیر قابل استنتاج است که قانونگذار برای رد تقصیر مفروض تنها اثبات فورس ماژور را بپذیرد. البته حقوقدانان خارجی که به بیان این ارتباط پرداخته‌اند به چنین تفکیکی اشاره نکرده و به طور کلی از فرض تقصیر، فرض سببیت را قابل استنتاج می‌دانند.

۳. مصادیق فرض سببیت

در این قسمت به بررسی مواردی از مسؤولیت قهری می‌پردازیم که در آن‌ها به وجود فرض سببیت اشاره شده است. پیش از ورود به بحث لازم به ذکر است که با توجه به این‌که در حقوق ایران فرض سببیت، چندان مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته و بدان پرداخته نشده، در آثار آنان و نیز رویه‌ی دادگاه‌ها مصداقی از این فرض در قلمرو

مسئولیت قهری، مشاهده نشد و از این رو مصادیقی که در این قسمت آورده می‌شود از حقوق خارجی است.

۳-۱. مسئولیت سرپرستان

درخصوص مسئولیت سرپرستان در قبال اعمال محجورین نظام حقوقی ایران متفاوت از نظام‌های حقوقی فرانسه، مصر و حتی کشورهای کاملاً است که در چنین مواردی برای سرپرست، فرض تقصیر مقرر کرده‌اند. از جمله در حقوق فرانسه ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی این کشور به مسئولیت سرپرستان صغار و مجانین درخصوص اعمال زیان‌بار آن‌ها اختصاص دارد. بند ۴ و ۷ ماده مذکور به مسئولیت پدر و مادر ناشی از فعل کودکانشان اشاره دارد که در این بندها تقصیر اشخاص مسؤول مفروض است و در نتیجه زیان‌دیده از اثبات آن معاف است [۴]. همچنین در حقوق مصر نیز خطای والدین و سرپرستان صغیر یا مجنون مفروض است [۵]. اما در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران که مبنای مسئولیت سرپرست در نظام حقوقی ما است به ضرورت اثبات تقصیر سرپرست برای تحقق مسئولیت او تصریح شده است. البته درخصوص تحقق عنوان تقصیر بر اقدامات سرپرست، علاوه بر قصور و سهل‌انگاری در نگهداری و مراقبت از محجور، عدم تربیت صحیح هم می‌تواند از مصادیق تقصیر باشد و با اثبات هر یک از این موارد در کنار دیگر ارکان مسئولیت، موجبات مسئولیت سرپرست فراهم می‌آید [۶]. پس مسئولیت سرپرست در نظام حقوقی ما تابع قواعد عمومی مسئولیت است و برای مسؤول تلقی شدن او، زیان‌دیده باید تمام ارکان مسئولیت را ثابت کند. در چنین شرایطی مسلماً جایی برای صحبت از فرض سببیت باقی نمی‌ماند.

اما در حقوق کشورهایی که برای سرپرست، فرض تقصیر شده با استدلالاتی شبیه آنچه در قسمت قبل ارائه شد، از این فرض تقصیر، فرض سببیت را هم استنتاج می‌کنند. از جمله یکی از حقوقدانان مصری به‌صراحت به موضوع استنتاج فرض سببیت از فرض تقصیر پرداخته و چنین می‌نویسد: «مادام که فرض تقصیر را به‌عنوان امری



مسلم [در این موضوع] بپذیریم، پذیرش رابطه سببیت به صورت مفروض نیز قابل قبول است. البته این به معنای عدم نیاز به وجود رابطه سببیت برای تحقق مسؤولیت نیست، بلکه معنای آن فقط جابه‌جایی بار اثبات وجود رابطه سببیت از عهده زیان‌دیده به عهده مسؤول ناشی از فعل دیگری است؛ بدین صورت که رابطه سببیت [بین تقصیر و ورود زیان] موجود فرض می‌شود، مگر این‌که شخص اخیر بتواند عدم وجود آن را ثابت کند و بدین ترتیب و با نفی وجود رابطه سببیت، مسؤولیت مفروض را از خویش دفع کند» [۷]. حتی برخی از حقوقدانان وجود فرض تقصیر بدون وجود فرض سببیت را بی‌فایده دانسته و گفته‌اند: «فرض تقصیر بدون در نظر گرفتن فرض سببیت فایده‌ای برای مدعی ندارد؛ چرا که اگر زیان‌دیده از اثبات تقصیر به واسطه وجود فرض تقصیر معاف باشد و سپس از او خواسته شود که رابطه سببیت بین تقصیر و زیان را اثبات کند مدعی در هنگام اثبات سببیت ناگزیر از اثبات خطا هم خواهد شد. پس اگر ابتدا زیان‌دیده را از اثبات خطا معاف کنیم و سپس از او اثبات رابطه سببیت را بخواهیم این امر منجر به اثبات خود خطا هم خواهد شد. در این صورت، چیزی را که با دست راست به او داده‌ایم با دست چپ از او می‌گیریم» [۵، ص ۱۱۳۹].

۲-۳. صدمات ناشی از سوء درمان بیماران

درخصوص صدماتی که در اثر تقصیرات پزشکان و پرستاران بر بیماران وارد می‌شود در برخی آرای خارجی، فرض سببیت مورد پذیرش قرار گرفته و بدان استناد شده است؛ هرچند در مورد پذیرش این فرض در چنین مواردی بین قضات و حقوقدانان در این کشورها اختلاف نظر وجود دارد.

از جمله مواردی که در آن فرض سببیت پذیرفته شده رأی دادگاه عالی ایالت کبک کانادا در پرونده لاوسن علیه لافریر^۱ است. این پرونده مربوط به زنی است که دچار سرطان سینه خوش‌خیم شده، ولی پزشک او این بیماری را تشخیص نداده است تا

1. Lawson v. Laferrière

این‌که بیماری به مراحل حاد و پیشرفته خود می‌رسد. زن علیه پزشک معالج خود طرح دعوا می‌کند با این ادعا که اگر در مراحل اولیه، بیماری به درستی تشخیص داده می‌شد او اقدامات لازم برای پیشگیری از وخامت و پیشرفت بیماری را انجام می‌داد. زن بیمار در جریان رسیدگی بر اثر بیماری فوت می‌کند و دعوا توسط نماینده او پیگیری می‌شود.

در مقابل، پزشک معالج ادعا می‌کند که تشخیص و عدم تشخیص او در اصل موضوع تفاوتی ایجاد نمی‌کرده، چرا که بیماری به وجود آمده بوده و در هر حال، قصور او در تشخیص درست بیماری، سبب پیشرفت بیماری و در نهایت مرگ بیمار نبوده است.

در نهایت قاضی دادگاه چنین استدلال می‌کند که «در برخی موارد که قصور فرد باعث ایجاد خطری آشکار برای دیگری شود و چنین خطری مسلم و نمودار باشد، می‌توان رابطه سببیت را مفروض دانست، مگر این‌که دلالت‌هایی خلاف آن وجود داشته باشد» [۸].

در پی صدور این رأی، آرای دیگری نیز در خصوص سوء درمان بیماران در ایالت کبک کانادا صادر شد که در آن‌ها برای پزشک فرض سببیت مقرر داشته‌اند؛ از جمله در سال ۱۹۹۷ در پرونده پارت علیه پاولین^۱ و نیز در پرونده منویل علیه شهرک سلامتی لاوال^۲ که در پرونده اخیر، منویل بیماری بود که به دلیل بیماری‌اش تحت عمل جراحی قرار گرفت و در پی این عمل به او سوند وصل شد. بعد از مدتی که پزشک جراح او دستور برداشتن سوند را داد یکی از دانشجویان پرستاری که تحت نظر سرپرستار فعالیت می‌کرد اقدام به برداشتن سوند کرد که نتوانست آن را بردارد و در پی بدتر شدن وضع بیمار و درد کشیدن او، سرپرستار اقدام به برداشتن سوند کرد. به هر حال بیمار دچار مشکل میزنا‌ی شد و ناگزیر تحت درمان مجدد قرار گرفت.

در پی طرح دعوایی که بیمار علیه بیمارستان کرد دادگاه اعلام کرد که پرستار در

1. Prat v. Poulin

2. de Mainville v. Cité de la Santé laval



برداشتن سوند مرتکب تقصیر شده و چون مشکل میزنا می‌تواند بر اثر سوند به وجود آمده باشد و پرستار هم در جریان برداشتن سوند مرتکب تقصیر شده است پس بار اثبات عدم وجود سببیت در این زمینه برعهده بیمارستان است تا با اثبات این‌که پرستار بر طبق معیارهای متعارف عمل کرده و مرتکب تقصیری نشده و دلیل مشکل بیمار، عوامل خارجی دیگری بوده که به بیمارستان مربوط نمی‌شود، فقدان سببیت مفروض را اثبات کند.

البته در پرونده‌های دیگری، قضات دادگاه وجود فرض سببیت را نپذیرفته‌اند و اثبات رابطه سببیت را برعهده خواهان می‌دانند. از جمله در پرونده استجین علیه دکتر مرشر^۱ که در آن خواهان بر اثر تصادف رانندگی به بیمارستان برده می‌شود، پزشک معالج وجود شکستگی در دو پای او و نیز ورود جراحاتی به سر و شکم را تشخیص می‌دهد و علیرغم این‌که آزمایش «اشعه ایکس» مورد مشکوکی را نشان نمی‌دهد، ولی چون بیمار از درد کمر رنج می‌کشید، پزشک احتمال شکستگی در مهره D7 را می‌دهد و این امر را در گزارش خود می‌نویسد و به متخصص ارتوپدی که برای معالجه بیمار حاضر شده بود، می‌دهد. متخصص ارتوپد درخصوص شکستگی پاها اقدامات لازم را انجام می‌دهد و در ویزیت بعدی بیمار، چون او همچنان از درد پشت می‌نالید احتمال آسیب‌دیدگی عصب سیاتیک او را مطرح می‌کند. بعد از مدتی علائم فلج در بیمار نمودار می‌شود و با آزمایش‌های بیش‌تر معلوم می‌شود که دو مهره D8 و D9 بیمار شکسته و دچار آسیب فشردگی نخاعی شده که اکنون موجب فلج دائم او شده است.

در پی این امر، استجین علیه پزشک متخصص طرح دعوا می‌کند و دادگاه بدوی اعلام می‌کند نه‌تنها تقصیری به پزشک منتسب نیست، بلکه خواهان در این دعوا رابطه سببیت بین فلج شدن خود و تقصیر پزشک را ثابت نکرده است. دادگاه تجدیدنظر علیرغم پذیرش نتیجه حکم دادگاه بدوی که همان عدم استحقاق خواهان نسبت به جبران خسارت او توسط پزشک متخصص است اعلام می‌دارد که اتفاقاً خوانده در این

1. St-Jean v. Dr Mercier

پرونده تقصیرهای متعددی مرتکب شده است، اما هیچ‌کدام از این تقصیرات سبب فلج خواهان نشده‌اند و اگر خواهان مدعی سببیتی در این زمینه است باید آن را اثبات کند و قواعد سنتی و متعارف مسؤولیت و لزوم اثبات رابطه سببیت نباید کنار گذاشته شوند. به این ترتیب دادگاه در این پرونده علیرغم قبول ارتکاب تقصیر از جانب پزشک، بار اثبات رابطه سببیت بین این تقصیر و ضایعه وارد را برعهده خواهان می‌نهد و قاضی این پرونده در این مورد فرض سببیت را نمی‌پذیرد [۸، ص ۲۲۰].

علاوه بر نمونه آرای که در آن‌ها به فرض سببیت در موضوع سوء درمان تصریح شده است و به برخی از آن‌ها در بالا اشاره شد، برخی از حقوق‌دانان خارجی نیز به بررسی پذیرش وجود چنین فرضی در حقوق کشورهای مختلف غربی پرداخته‌اند. در این پژوهش آمده که کشورهای مختلف نظیر آلمان، اسپانیا، امریکا و انگلیس در مورد زیان‌های ناشی از درمان در جایی که تقصیری به پزشک معالج نسبت داده شود سببیت او را هم در چنین مواردی مفروض می‌دانند و اثبات خلاف فرض مذکور را برعهده پزشک معالج قرار می‌دهند. همچنین است در مواردی که تقصیر پزشک مفروض باشد، این سببیت در جایی مفروض است که پزشک مرتکب تقصیری فاحش شده یا زیان وارد بر بیمار نتیجه معمول و متعارف ارتکاب تقصیر از سوی پزشک باشد. در چنین مواردی بار اثبات این‌که تقصیر ارتكابی سبب زیان وارد بر بیمار نبوده برعهده پزشک قرار می‌گیرد [۹].

۳-۳. حوادث ناشی از کار

در حقوق کامن‌لا از اولین موارد اعمال فرض سببیت، رأی دادگاه تجدیدنظر انگلیس در سال ۱۹۴۵ در پرونده واینر علیه شرکت برادران والدنبرگ^۱ است. خواهان این پرونده، کارگر کارخانه‌ای بود که در آن علیرغم وجود قوانین مربوط به لزوم رعایت اقدامات ایمنی در کارخانه‌ها، تدابیر لازم در جهت تأمین ایمنی هنگام کار فراهم نشده بود. کارگر

1. Vyner v. Waldenberg Brothers Ltd.



مزبور هنگام کار با اره گردان، انگشتش قطع شد. دادگاه در ضمن رأیی که به نفع کارگر صادر کرد در مورد رابطه سببیت چنین اظهارنظر کرده است: «اگر مقررات ایمنی‌ای که بر صاحبان کارخانه‌ها تحمیل می‌شود، توسط آن‌ها نقض یا نادیده گرفته شود و تدابیر ایمنی لازم در کارخانه وجود نداشته باشد و کارگری در جریان کار به طریقی که می‌تواند ناشی از نقض مقررات ایمنی باشد آسیب ببیند، بار اثبات این‌که نقض مقررات ایمنی سبب جراحت وارد نبوده برعهده کارفرما خواهد بود» [۸، ص ۲۲۶].

همچنین در پرونده دیگری^۱ قاضی چنین استدلال می‌کند: «اگر شخصی که وظیفه مراقبت برعهده او است کوتاهی کند و در نتیجه اهمال او محیط خطرناکی به وجود آید، او مسؤول خساراتی است که در این محیط خطرناک به افراد وارد می‌آید؛ مگر این‌که ثابت کند که خسارات وارد به اسباب و دلایل دیگری بر زیان‌دیده وارد آمده است»^۲ [۱۰].

البته در پرونده شرکت کستینگ بنینگتون علیه واردلو^۳ قاضی وجود فرض سببیت را نمی‌پذیرد و اظهار می‌دارد که این یک اصل آشکار است که خواهان در دعوی جبران خسارت نه‌تنها باید ورود ضرر یا نقض قرارداد را اثبات کند، بلکه باید ثابت کند که ضرر وارد بر او به دلیل این نقض وظیفه خوانده بوده است و نیز اظهار داشته که هیچ دلیل یا منبع قانونی برای تغییر این اصل کلی در مواردی که قانون وظیفه‌ای را بر فردی بار می‌کند و او این تکلیف را انجام نمی‌دهد، نمی‌بیند. پس در مواردی که قانونگذار وظیفه حفاظت از سلامت کارگران در محیط کار را بر کارفرما تحمیل کرده است، این بدان معنا است که کارگر می‌تواند بابت خسارات ناشی از این نقض تکلیف مطالبه خسارت کند و نه به این معنا که خواهان می‌تواند صرفاً با اثبات نقض عهد یا ورود

1. McGhee v. National Coal Board

2. «It is a sound principle that where a person has, by breach of duty of care, created a risk, and injury occurs within the area of that risk, the loss should be borne by him unless he shows that it had some other cause».

3. Bonnington Castings Ltd. v. Wardlaw

ضرر و بدون اثبات سببیت مستحق جبران خسارت باشد. پس کارگر باید در تمام موارد اثبات کند که نقض تکلیف قانونی سبب ورود زیان به او شده است [۸، ص ۲۲۷]. برخی از دادگاه‌های فرانسه هم در مواردی که شخصی با تقصیر خود محیط خطرناکی را به وجود می‌آورد و به دیگری در این محیط خطرناک آسیبی وارد می‌شود که آن زیان از آثار و عواقب قابل پیش‌بینی چنین تقصیری است، تمایل به پذیرش فرض سببیت دارند و بین تقصیر مرتکب و زیان وارد رابطه سببیت را موجود می‌دانند، مگر این‌که خواننده، فرض مذکور را با اثبات عدم سببیت خود یا وجود سبب دیگر رد کند [۱۰، ص ۴۸۲]. چنین فرضی نه‌تنها در مورد مسؤلیت کارفرما، بلکه در مورد حوادث رانندگی یا شخصی که از اشیای خطرناک استفاده می‌کند و نیز مسؤلیت سرپرستان و غیره مورد توجه دادگاه‌های فرانسه قرار گرفته است [۸، ص ۲۳۵].

۳-۴. مسؤلیت ناشی از تولید

از جمله مواردی که وجود یا عدم وجود این فرض در آن مورد بحث قرار گرفته شده، حوزه تولیدات صنعتی و پزشکی و دارویی است و وظیفه‌ای که تولیدکنندگان این نوع کالاها در ارائه هشدار به مصرف‌کنندگان دارند.

توضیح این‌که در حقوق کامن‌لا قاعده‌ای با عنوان «بخوان و توجه کن»^۱ وجود دارد، مبنی بر این‌که تولیدکنندگان داروها و وسایل پزشکی و دارویی وظیفه دارند هشدارهای لازم را درخصوص خطرهای زیان‌های استفاده از دارو یا وسیله موردنظر، بر روی آن درج کنند و در صورتی که چنین کنند، بعد از آن دیگر بابت زیان‌هایی که به استفاده‌کننده وارد می‌شود مسؤول نیستند، مگر این‌که زیان‌دیده بتواند رابطه سببیت بین زیان وارد بر خود و استفاده از آن دارو یا وسیله را اثبات کند. با توجه به این‌که قاعده مذکور به نفع تولیدکنندگان وسایل و داروهای پزشکی است و آن‌ها را بری از مسؤولیت می‌داند، مگر این‌که زیان‌دیده تمام ارکان مسؤولیت نسبت به آن‌ها را اثبات

1. Read and Heed



کند، گفته شده است در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان هم می‌توان قاعده‌ای ایجاد کرد که بنا بر این قاعده در صورتی که تولیدکنندگان مذکور هشدارهای لازم را درخصوص خطرهای احتمالی ندهند، مسئول زیان‌های وارد بر مصرف‌کنندگان خواهند بود، مگر این‌که بتوانند به نحوی عدم وجود رابطه انتسابی بین مصرف دارو و زیان وارد را اثبات کنند. همان‌طور که می‌بینیم این قاعده، عکس قاعده گفته شده است و متضمن مقرر داشتن فرض سببیتی است که به موجب آن در صورت عدم ارائه هشدارهای لازم درخصوص مصرف دارو، تولیدکننده مسئول زیان وارد به مصرف‌کننده خواهد بود، مگر این‌که بتواند رابطه انتسابی مفروض را به گونه‌ای نفی کند. البته باید توجه داشت برخی دادگاه‌ها معتقدند فرض مذکور تنها در جایی به ضرر تولیدکننده به وجود می‌آید که هیچ‌گونه خطاری به مصرف‌کنندگان نداده باشد. در مواردی که اخطار داده شده، ولی زیان دیده مدعی ناکافی بودن آن است خود باید برای ادعایش دلیل بیاورد و فرضی در این خصوص به ضرر تولیدکننده وجود ندارد.

دلایلی که برای مقرر داشتن چنین فرضی ذکر شده این است که بدین وسیله تولیدکنندگان کالاها تشویق و تحریک می‌شوند تمام خطرهای سوئی را که کالای تولید شده ممکن است بر سلامتی انسان داشته باشد اخطار دهند و با صداقت بیش‌تری با مصرف‌کنندگان برخورد کنند. همچنین وجود چنین فرضی می‌تواند به تحقق عدالت کمک کند؛ چون در بسیاری از موارد اثبات رابطه سببیت می‌تواند بسیار مشکل باشد. البته این استدلال‌ات و دلایلی که برای وجود این فرض ذکر شده مورد مناقشه عده‌ای دیگر از حقوقدانان قرار گرفته است. با وجود این، بسیاری از دادگاه‌ها در کشورهای پیرو حقوق کامن‌لا خصوصاً در ایالات مختلف کشور آمریکا به اعمال و اجرای آن مشتاقند[۱۱].

از جمله مواردی که دادگاه‌ها از این فرض استفاده کرده‌اند پرونده کافمن علیه کین کروپ^۱ است که در ایالت نیوجرسی آمریکا مطرح شده است. موضوع این پرونده که در

1. Coffman v. Keene Corp

آن به طور مفصل در خصوص فرض سببیت اظهار نظر شده و مورد متابعت دادگاه‌های دیگری هم قرار گرفته، در مورد دعوایی است که در آن کافمن^۱ که الکتریسین یک ناو بود علیه شرکت کین کروپ^۲ که تولیدکننده قطعاتی متشکل از پنبه نسوز بود طرح دعوا می‌کند؛ بر این مبنا که شرکت مذکور در خصوص تأثیرات سوئی که استفاده از وسایل حاوی چنین ماده‌ای می‌تواند بر سلامتی انسان بگذارد هیچ‌گونه اخطار و هشدار نداده است. دادگاه در این پرونده «فرض توجه»^۳ را در جهت معکوس کردن بار اثبات رابطه سببیت اعمال کرد و اثبات عدم وجود رابطه سببیت را برعهده خواننده گذاشت [۱۱]، ص ۶۸].

به هر حال، همان‌طور که گفته شد بین دادگاه‌ها رویه واحدی در خصوص پذیرش یا رد این فرض وجود ندارد و نویسندگان حقوقی هم نقدهایی بر آن وارد و با ارائه استدلال‌هایی آن را رد کرده‌اند [۱۲].

البته در انگلیس، بخش نخست قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۹۸۷ که از اول مارس ۱۹۸۸ اجرا شد، بر همین پایه و به دلیل هماهنگ شدن با طرح نمونه جامعه اروپا تنظیم گردید و مسئولیت محض یا مستقیم تولیدکننده را در برابر زیان‌های ناشی از محصول معیوب مقرر داشت و عامل تقصیر را در دعوای جبران خسارت حذف کرد. در حقوق کشورهای دیگر نظیر هلند، آلمان و فرانسه نیز به تأسی از قانون نمونه اروپا برای تولیدکننده مسئولیت محض مقرر شده است [۱۳].

استفاده از فروض قانونی نظیر فرض سببیت در مورد مسئولیت تولیدکنندگان در مقایسه با مسئولیت محض برای آنان می‌تواند محاسنی داشته باشد؛ از جمله این‌که بار مسئولیت تولیدکننده را سبک‌تر می‌سازد و به او امکان می‌دهد که با اثبات عدم وجود رابطه سببیت بین جریان تولید و ضرر وارد با هر دلیلی و نه صرفاً با اثبات وجود قوه قاهره از مسئولیت برهد؛ در حالی که در مسئولیت محض تنها با اثبات وجود قوه

1. Coffman
2. Keene Corp
3. heeding presumption



قاهره می‌تواند از مسؤولیت معاف شود. به عبارتی، آزادی عمل بیش‌تری در جریان اثبات به تولیدکننده داده می‌شود.

۴-۵. مسؤولیت ناشی از حوادث اتمی

مصادق قابل بحث دیگر در این زمینه، خسارات ناشی از حوادث اتمی است که مشکلات زیادی برای زیان‌دیدگان در اثبات رابطه سببیت بین زیان وارد و حادثه اتمی وجود دارد. از جمله این مشکلات ظهور دیر هنگام برخی خسارات جسمی و بدنی ناشی از خسارات اتمی است که بعضاً بعد از ۲۰ سال بروز می‌یابند؛ مخصوصاً اگر احتمال دخالت اسباب دیگری هم وجود داشته باشد و نیز نیاز به آگاهی علمی و فنی پیچیده نسبت به مسائل اتمی است که نه تنها بسیاری از زیان‌دیدگان از آن بی‌بهره‌اند، بلکه در اختیار کسانی است که خود متولی تأسیسات اتمی هستند [۱۴].

البته باید توجه داشت که در زمینه مسؤولیت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای کنوانسیون‌های متعددی وجود دارد که در آن‌ها مسؤولیت بهره‌بردار این تأسیسات را از نوع مسؤولیت محض^۱ یا مسؤولیت بدون تقصیر می‌دانند. مهم‌ترین این کنوانسیون‌ها عبارتند از کنوانسیون پاریس در مورد مسؤولیت شخص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای ۱۹۶۰ و پروتکل‌های الحاقی آن و کنوانسیون وین با موضوع مسؤولیت مدنی در قبال آسیب‌های هسته‌ای ۱۹۶۳. در ماده ۳ کنوانسیون پاریس و ماده ۴ کنوانسیون وین به مسؤولیت محض بهره‌بردار تأسیسات اتمی تصریح شده است. البته در این کنوانسیون‌ها برای بیان مسؤولیت بهره‌بردار از اصطلاح absolute liability استفاده شده که به معنای مسؤولیت مطلق است و با مسؤولیت محض تفاوت دارد؛ اما همان‌طور که از مواد این کنوانسیون‌ها برمی‌آید این کنوانسیون‌ها برای بهره‌بردار مسؤولیت بدون تقصیر یا مسؤولیت محض در نظر گرفته‌اند، نه مسؤولیت مطلق^۲ [۱۵].

1. strict liability

۲. مسؤولیت عینی یا محض که مسؤولیت بدون تقصیر نامیده می‌شود، مسؤولیتی است که برای تحقق آن نیازی ←

البته به‌کارگیری مسؤولیت محض، تنها در زمینه خسارات ناشی از فعالیت‌های اتمی نیست، بلکه در خصوص آلودگی‌های زیست‌محیطی و ایجاد آلودگی‌های نفتی توسط کشتی‌ها و به‌طور کلی فعالیت‌های خطرناک، در کنوانسیون‌های مربوط^۱ اصل مسؤولیت محض مقرر شده است [۱۶].

عاملی که در فعالیت‌های اتمی بیش‌تر اصل مسؤولیت محض را توجیه می‌کند مخفیانه بودن و بسیار پیچیده بودن فعالیت‌ها و دستگاه‌ها و تأسیسات اتمی است. فعالیت‌های اتمی ظریف و پیچیده هستند، به نحوی که ممکن است اثبات تقصیر و تشخیص مقصر در عمده موارد نه‌تنها مشکل، بلکه غیرممکن باشد. بنابراین نه‌تنها مسؤولیت مبتنی بر تقصیر که حتی فرض تقصیر هم نمی‌تواند عادلانه و موجه باشد؛ چرا که در خیلی از موارد اصلاً تقصیری وجود ندارد. بنابراین، مسؤولیت محض بهترین قاعده برای مبنای مسؤولیت در حقوق مسؤولیت اتمی است [۱۷]. به تاسی از این کنوانسیون‌ها در حقوق داخلی برخی کشورها هم برای متصدی یا بهره‌بردار این تأسیسات مسؤولیت محض تعریف شده است؛ از جمله در قانون هسته‌ای ژاپن، کره، اوکراین، لهستان و برخی کشورهای دیگر. پس آنچه به‌عنوان یک قاعده می‌توان در این زمینه به دست داد این است که بر مسؤولیت مدنی ناشی از حوادث اتمی نظامی غیر از نظام مسؤولیت مبتنی بر تقصیر حاکم است و گرایش‌ها به سمت عینی کردن مسؤولیت

→ به وجود تقصیر نیست؛ بدین معنا که نه‌تنها نیازی به اثبات تقصیر نیست، بلکه خواننده با اثبات بی‌تقصیری نمی‌تواند از مسؤولیت معاف شود، بلکه رهایی از این نوع مسؤولیت با اثبات دخالت علت خارجی و قاهره میسر خواهد بود. نوع دیگری از مسؤولیت وجود دارد که مسؤولیت مطلق نامیده می‌شود که برای تحقق این نوع مسؤولیت هم نیازی به وجود تقصیر نیست. اما تفاوتی که بین مسؤولیت محض و مسؤولیت مطلق وجود دارد این است که در مسؤولیت مطلق، برخلاف مسؤولیت محض، حتی اثبات دخالت قوه قاهره نیز نمی‌تواند سبب معافیت از مسؤولیت شود و به صرف تحقق زیان، خواننده در هر صورت مسؤول خواهد بود.

1. The International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage 1969, as amended by the Protocols of 1976, 1992 and 2000, and the International Convention on the Establishment of an International Fund for Compensation for Oil Pollution Damage 1971, as amended by the Protocols of 1976, 1992 and 2000, And Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the Environment, Lugano, 21 June 1993.



در این حیطة است. به عبارتی، نظام مسؤولیت محض بر این دسته از دعاوی حاکم است. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم در مواردی که مسؤولیت محض مقرر می‌شود زیان‌دیده اگرچه از اثبات تقصیر معاف می‌شود، اما به هر حال باید رابطه سببیت بین عامل زیان و زیان وارد به خود را اثبات کند. پس در خسارات اتمی نیز باید ثابت شود که خسارت مالی یا جانی منتسب به حادثه اتمی بوده است.

در کنار پذیرش مسؤولیت محض برای بهره‌بردار تأسیسات اتمی در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی برخی کشورها، در برخی از کشورها به منظور ایجاد تسهیل در جریان اثبات مسؤولیت برای بهره‌بردار و جبران خسارت زیان‌دیده، به جای پذیرش مسؤولیت محض برای بهره‌بردار، فرض سببیت مقرر شده است. به‌عنوان مثال در اتریش بخش (۱) ۱۲ قانون مسؤولیت اتمی چنین فرضی را ایجاد کرده است؛ به این صورت که اگر شخص زیان‌دیده دلیل معقولی ارائه دهد که از نظر فیزیکی در معرض پرتو اتمی خارج شده از نیروگاه اتمی بوده است، فرض می‌شود که زیان وارد از چنین پرتویی ناشی شده است، به شرطی که پرتو مذکور قابلیت ایراد چنین خسارتی را داشته باشد. لذا دیگر نیاز نیست خود زیان‌دیده ثابت کند که واقعاً خسارت وی از آن پرتو ناشی شده است. اما خواننده می‌تواند این فرض را رد کند؛ به این صورت که ثابت کند بین پرتو و خسارت رابطه سببیت وجود ندارد. برای او کافی است نشان دهد که در موضوع مورد نظر، احتمال بیش‌تری وجود دارد که اسباب و علل دیگر باعث خسارت شده‌اند. همچنین در قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۶۸ آلمان در مورد برخی بیماری‌هایی که می‌تواند ناشی از حوادث هسته‌ای باشد، فرض سببیت مقرر شده است.

انجمن سلامت جسمانی^۱ نیز در گزارش خود به فرض سببیت به‌عنوان یکی از راهکارهای جبران خسارت افرادی که در معرض تشعشعات خطرناک بوده‌اند اشاره می‌کند [۱۸].

1. Health Physics Society

با وجود این بعضی نویسندگان خارجی همچنان با وضع فرض سببیت به طور مطلق مخالفند و معتقدند چنین فرضی تنها می‌تواند به نفع کارگرانی که در معرض پرتو بوده‌اند مقرر شود؛ ولی اشخاص ثالثی که معمولاً گروه‌های نامحدودی از افراد را در برمی‌گیرند که هیچ ارتباطی با عامل زیان نداشته‌اند، تابع این فرض قرار نمی‌گیرند و نمی‌توان یک فرض سببیت کلی مقرر کرد. چنین فرضی هیچ مبنایی ندارد و نمی‌توان حدود آن را مشخص کرد [به نقل از ۱۴، ص ۱۲۹].

بنابراین در زمینه خسارت‌های ناشی از حوادث اتمی رژیم مسؤولیت مبتنی بر تقصیر نمی‌تواند پاسخگو باشد. به همین دلیل از رژیم مسؤولیت محض استفاده شده و در برخی موارد هم با کمک فروض قانونی، نظیر فرض سببیت بار اثبات را از دوش مدعی زیان‌دیده برداشته‌اند.

در مواردی که اثبات ارکان تحقق مسؤولیت برای زیان‌دیدگان مشکل است تمایل قانونگذاران بیشتر بر استفاده از نظام مسؤولیت محض است تا استفاده از فروض قانونی نظیر فرض سببیت. دلیل این امر شاید این باشد که نظام مسؤولیت محض یا فرضی نظیر فرض تقصیر به ذهن قانونگذاران و حقوقدانان ملموس‌تر است تا فرض سببیت. علیرغم پذیرش مسؤولیت مبتنی بر تقصیر به‌عنوان اصل، امروزه دیگر همه حقوقدانان وجود نظام مسؤولیت محض در برخی زمینه‌ها را حتی بسیار کاراتر از نظام مسؤولیت مبتنی بر تقصیر می‌دانند. برعکس در مورد فرض سببیت، نه‌تنها بسیاری تاکنون نامی از این فرض نشنیده‌اند، بلکه در موارد طرح فرض سببیت، اساساً وجود چنین فرضی مورد اختلاف حقوقدانان است. از این رو فرض سببیت مانند فرض تقصیر یا نظریه خطر شیوع پیدا نکرده و به‌عنوان راهکاری برای تقلیل بار اثبات در مواردی که اثبات ارکان تحقق مسؤولیت دشوار است در قانونگذاری‌ها مورد اقبال قرار نگرفته است.

به هر حال نکته حائز اهمیت این است که پذیرش فروضی نظیر فرض سببیت اگر در قلمرو مسؤولیت مدنی ساده افراد در برابر هم کمی مشکل باشد در مورد خسارات



ناشی از فعالیت‌ها و حوادث اتمی و خساراتی از این دست اتفاقاً می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های مفید در جهت حمایت از زیان‌دیدگان مورد استفاده قانونگذاران قرار گیرد؛ همان‌گونه که در قانون مسئولیت مدنی اتمی اتریش هم از این فرض قانونی استفاده شده است.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه شده، مطالب زیر را به‌عنوان نتیجه بحث می‌توان ذکر کرد:

- در حقوق کشورهای پیرو حقوق کامل‌لا، در رویه قضایی می‌توان مواردی را یافت که در زمینه‌های مختلف مانند زیان‌های ناشی از سوء درمان و یا خسارات ناشی از کار به کارگران، دادگاه‌ها فرض سببیت را پذیرفته‌اند. البته در حقوق این کشورها هم درخصوص پذیرش فرض سببیت بین دادگاه‌ها رویه واحدی وجود ندارد و برخی آن را نمی‌پذیرند.
- در مورد خسارت‌های ناشی از عیب تولید و خسارات ناشی از حوادث اتمی و مواردی از این دست که به دلیل ماهیت حادثه، اثبات دقیق ارکان دعوا درخصوص آن‌ها مشکل است، قوانین داخلی دولت‌ها و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی به استفاده از نظام مسئولیت محض اقبال بیشتری نشان داده‌اند تا استفاده از فروضی نظیر فرض سببیت یا فرض تقصیر.
- فرض سببیت آن‌طور که فرض تقصیر یا مسئولیت محض مورد پذیرش قرار گرفته نتوانسته در بین قانونگذاران و حقوقدانان مورد توجه و استفاده قرار گیرد؛ و حتی حقوقدانانی که به طرح و بررسی آن پرداخته‌اند بیشتر در زمینه مسئولیت قراردادی آن را طرح کرده‌اند. در حوزه مسئولیت قهری، مسئولیت مبتنی بر تقصیر به‌عنوان اصل پذیرفته شد و در مواردی که به دلیل ماهیت حادثه، اثبات برخی ارکان مسئولیت برای خواهان با دشواری روبه‌رو می‌شود، چه در قوانین داخلی و چه در کنوانسیون‌های بین‌المللی از مسئولیت محض استفاده شده است. فرض سببیت در بین

قانونگذاران و حقوقدانان، حتی اصطلاح شناخته‌شده‌ای نیست تا چه رسد به استفاده از آن به‌عنوان یک راهکار قانونی.

۵. فهرست منابع

- [۱] جعفری‌تبار، حسن، *مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا*، تهران، دادگستر، ۱۳۷۵.
- [2] Hellner, Jan, «Causality and Causation in Law», *Stockholm Institute for Scandianvian Law*, vol 40,2000.
- [۳] بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- [۴] ژوردن، پاتریس، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، تهران، میزان، ۱۳۸۲.
- [۵] سنهوری، عبدالرزاق احمد، *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، ج ۲، چ ۲، بیروت، الحلبي الحقوقیه، ۱۹۹۸.
- [۶] حسین‌آبادی، امیر، «بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق/پژوهش‌ها*، ش ۲۰، ۱۳۸۵.
- [۷] مرقس، سلیمان، *الوافی فی شرح القانون المدنی*، ج ۱ و ۲، چ ۵، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۲.
- [8] KOURI, Par Robert P., «From Presumptions of fact to Presumptions of Causation: Reflections on the Perils of Judge-Made Rules in Quebec Medical Malpractice Law», *R.D.U.S.*, vol32, 2001.
- [9] Magnus Ulrich, –Micklitz, Hans-W. , «*Comparative Analysis of National Liability Systems for Remedying Damage Caused by Defective Consumer Services*» , A Study Commission by the European Commission, Publisher: Institut für Europäisches Wirtschafts- und Verbraucherrecht, 2004.



- [10] Gerven ,Walter Van – Larouche, Pierre and Lever, Jermy,” *Cases Materials and Text on National, Super national and International Tort Law*, Oxford, Hart Publishing,2000.
- [11] Bohmholdt, Karin L. «The Heeding Presumption and Its Application: Distinguishing No Warning from Inadequate Warning»,*Loyola of Los Angeles Law Review*, (*Loy. L.A.L. Rev*). vol 37 , 2003.
- [12] Lewis ,John Q., Bownas, Pearson N. and Silversten ,Matthew P. «The Reverse “ READ AND HEED” Causation Presumption», Jones Day firm,2008.
- [۱۳] کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، چ ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- [۱۴] جعفری، فیض الله، «مسئولیت مدنی ناشی از حوادث اتمی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
- [15] Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy of 29th July 1960, Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage (1963).
- [16] . the International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage 1969, as amended by the Protocols of 1976, 1992 and 2000, and the International Convention on the Establishment of an International Fund for Compensation for Oil Pollution Damage 1971, as amended by the Protocols of 1976, 1992 and 2000. And, Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the Environment. Lugano, 21 June 1993.
- [۱۷] جعفری، فیض الله، «حوادث اتمی و اصول مسئولیت مدنی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ش ۱۳، ۱۳۸۷.

- [18] Health Physics Society, Compensation for Diseases that Might be Caused by Radiation Must Consider the Dose , *Published by Health Physics Society*, (www.hps.org),pso14-0, 2001.